



شناسایی عوامل مؤثر بر تحولات آینده آسیای مرکزی و تأثیر آن بر موقعیت ج. ا. ایران در این منطقه

سیدشهاب‌الدین حجازی^۱

چکیده

تحقیق حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر تحولات آینده آسیای مرکزی و تأثیر آن بر موقعیت ایران در این منطقه انجام پذیرفته است. این تحقیق بر مبنای هدف، از نوع «کاربردی- توسعه‌ای» و بر مبنای ماهیت «توصیفی- پیمایشی» بوده که از رویکردی «آمیخته» برخوردار است. جامعه آماری؛ شامل کارشناسان دارای سابقه فعالیت در منطقه بوده که در بخش کیفی ۱۲ نفر و در بخش کمی ۳۲ نفر به روش گلوله برفی شناسایی و به صورت هدفمند انتخاب گردیده‌اند. به منظور گردآوری داده‌ها جهت تدوین ادبیات تحقیق از «مطالعات کتابخانه‌ای» با استفاده از «ابزار فیش برداری» و در خصوص جمع‌آوری داده‌های واقعی نیز از «مطالعات میدانی» با استفاده از ابزار «مصاحبه نیمه‌ساختاریافته» و «پرسشنامه بسته» استفاده شده که سئوالات آن‌ها از دو جنبه روایی ظاهری و محتوا به جهت روشن و بدون ابهام بودن گویه‌ها و همچنین کفایت کمیت و کیفیت توسط خبرگان تأیید گردیده است. «ضریب آلفای کرونباخ» پرسشنامه ۰/۸۶۹ و «پایایی باز آزمون» مصاحبه‌ها ۸۲ درصد محاسبه شده که بیانگر پایایی قابل قبول بوده است. به منظور دستیابی به هدف پژوهش؛ ابتدا عوامل تأثیرگذار بر تحولات آینده منطقه با «تحلیل محتوای کیفی» مصاحبه‌ها احصاء و در محورهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی- فرهنگی، امنیتی و ژئوپلیتیک دسته‌بندی و سپس به منظور دریافت تأییدیه و رتبه‌بندی اهمیت آن‌ها، پرسشنامه‌ای تنظیم و توزیع گردید. با تجزیه و تحلیل داده‌های کمی با استفاده از «پارامترهای توصیفی» تمامی مؤلفه‌های احصاء شده مورد تأیید قرار گرفت و اهمیت آن‌ها با استفاده از روش «آنتروپی شانون» رتبه‌بندی شد. در پایان نیز راهکارهای پیشنهادی جهت گسترش حضور ایران در منطقه ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: آسیای مرکزی، ج. ا. ایران، تحولات آینده و الگوی استیپ

۱. نویسنده مسئول: استادیار، دانشکده مدیریت، دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، مازندران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

منطقه آسیای مرکزی^۱، شامل پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در جغرافیای سیاسی جهان پدیدار شد (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۶: ۱۷۶). این جمهوری‌ها ضمن این که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند، در عین حال دارای نقاط مشترکی هم هستند که آن‌ها را به عنوان یک کل به هم پیوسته معرفی می‌کند (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۷). این منطقه هیچ مرزی با آب‌های آزاد جهان ندارد و ایده نامیدن این مناطق به عنوان یک منطقه مشخص و مجزای جغرافیایی با نام «آسیای مرکزی» در سال ۱۸۴۳ میلادی توسط جغرافیدان آلمانی، «الکساندر فون هومبولت»^۲ مطرح شد (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۴: ۷). این منطقه با وسعت ۳۹۹۴۴۰۰ کیلومتر مربع و ۷۲ میلیون نفر جمعیت، سرزمین وسیعی است که با داشتن قریب ۸۰ درصد مسلمان، یکی از مناطق جهان اسلام محسوب می‌گردد.

براساس نظریه ژئوپلیتیک مکیندر^۳ (۱۹۰۴) که هارتلند جهانی را کشورهای اوراسیایی در اوان سده بیستم می‌دانست و نیز برژینسکی^۴ (۱۹۹۷) که صفحه شطرنج بزرگ سیاست بین‌الملل جهان امروز را قلمرو اوراسیایی تلقی می‌نماید، آسیای مرکزی به عنوان یکی از حوزه‌های این منطقه ژئواستراتژیک، از اهمیت زیادی برخوردار بوده و از این رو، از زمان استقلال به یکی از کانون‌های فعال جهانی تبدیل شده است (کرمی، ۱۳۹۷: ۱۸۱). در یک دهه گذشته آسیای مرکزی بیشتر مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای بوده است. منافع و اقدامات این بازیگران بین‌المللی به شکل‌گیری فضای رقابتی در منطقه منجر شده است (وئوقی و صفری، ۱۳۹۶: ۴۶۷). ورود بازیگران مختلف به این منطقه که یادآور «بازی بزرگ»^۵ قرن نوزدهم بود و از آن تحت عنوان «بازی بزرگ جدید»^۶ یاد می‌شد، موجب پیچیدگی تحولات منطقه گردید (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۶: ۱۷۶). این فضای رقابتی ناشی از عملکرد پویایی‌های درونی و بیرونی منطقه آسیای مرکزی است (وئوقی و صفری، ۱۳۹۶: ۴۶۷).

1 Central Asia
2 Alexander von Humboldt
3 Mackinder
4 Brzezinski
5 Great Game
6 New Great Game

این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی نقش مهمی در سیاست جهانی دارد. واقع شدن در قلب اوراسیا به عنوان یکی از شاهراه‌های ترانزیت در جهان موجب شده است که بسیاری از کشورهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی برای تسلط و نفوذ در این مناطق به رقابت با یکدیگر بپردازند (اسلامی و ایاز، ۱۳۹۶: ۲۳۳). مهم‌ترین ایده‌ای که در مورد آسیای مرکزی مطرح است، توانایی این منطقه برای تبدیل شدن به قلب مبادلات تجاری بین شرق و غرب است (وئوقی و صفری، ۱۳۹۶: ۴۷۲). این منطقه علاوه بر آن که میراث‌دار اقتصاد بزرگ جاده ابریشم و پل ارتباطی میان اروپا و آسیای شرقی و میان شمال و جنوب قاره آسیا به شمار می‌آید، امروزه به سبب کشف منابع غنی انرژی نیز به عنوان منطقه‌ای مهم محسوب می‌شود (بهمن، ۱۳۸۹: ۱۸).

موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی به شکلی است که با یکدیگر نوعی وابستگی ژئوپلیتیک^۱ دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶). جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همواره به دنبال تعمیق جایگاه خود در منطقه آسیای مرکزی بوده و اغلب پیوندهای تاریخی و نزدیکی جغرافیایی را به عنوان پایه‌ای برای توسعه روابط با کشورهای این منطقه ذکر کرده است. در کنار اهمیت روابط ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی در سطح دوجانبه و نهادی، منطقه آسیای مرکزی در سال‌های اخیر وارد مرحله جدیدی از موقعیت استراتژیک و ژئواستراتژیک شده است که می‌تواند برای ایران زمینه‌ساز اتخاذ رویکردی جدید در عرصه تعاملات منطقه‌ای باشد (صفری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۴). ایران از دو دیدگاه فرصت‌ها و تهدیدها به آسیای مرکزی نگریده است. در فرصت‌ها نگاه ایران بیشتر به سوی ابعاد اقتصادی و فرهنگی متمایل بوده است و در تهدیدها، نگاه ایران بیشتر امنیتی بوده است (ولی‌زاده و صالحی، ۱۳۹۹: ۳۱۴).

از سویی در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ایران با وجود تلاش برای شکل‌دادن به یک برنامه جدی منطقه‌ای در آسیای مرکزی تاکنون با موفقیت محدود در این زمینه روبه‌رو بوده است. به‌طور کلی، همکاری متقابل اقتصادی، سیاسی و امنیتی میان ایران و کشورهای منطقه چه در قالب نهادهای منطقه‌ای از جمله اکو و چه در چارچوب مناسبات دوجانبه تاکنون از سطح قابل توجهی برخوردار نبوده است (صفری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۱).

1 Geopolitical Dependency

متاسفانه اشتغال سیاست خارجی ج. ا. ایران به چالش‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه روابط خارجی به همراه توسعه نیافتگی و بحران‌زدگی منطقه سبب شده است که آسیای مرکزی جایگاه شایسته خود را در سیاست خارجی ج. ا. ایران پیدا نکند (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۷). ایران در حوزه ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی تقریباً زیر سایه روسیه قرار گرفته است. این وضعیت، با ورود فعالان چین به منطقه و به ویژه پس از طرح ابتکاری کمربند و راه دجار تغییر و تحول شده است و چین توانسته است ساختار تک قطب منطقه را به دو قطب تبدیل کند. در نتیجه، زمینه مناسب‌تری برای ایران فراهم شده است. با این حال، نگرش به ایران به عنوان تهدید همچنان مشکل‌ساز است (مجیدی و دهقان‌فرشاه، ۱۳۹۹: ۲۴۷).

در چنین شرایطی؛ عدم تحلیل و ارزیابی منطقی ابعاد و مولفه‌های تاثیرگذار بر تحولات منطقه، توانایی برنامه‌ریزی جهت گسترش حضور ایران را تا حدودی زیادی تضعیف می‌نماید. لیکن گام برداری آگاهانه و هوشمندانه به منظور گسترش حضور و نقش آفرینی موثر در این منطقه، مستلزم رصد مستمر و دقیق تحولات و شناخت واقع‌بینانه منطقه به دور از هرگونه شعارزدگی است. فلذا به نظر می‌رسد انجام این پژوهش، ضمن کمک به شناخت عوامل کلیدی تحولات آسیای مرکزی که می‌تواند بر موقعیت آینده ایران در این منطقه تاثیرگذار باشد، راهکارهای مقتضی به منظور گسترش حضور و تامین منافع حداکثری ایران را نیز ارائه نماید. با این توضیح؛ سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: «عوامل مؤثر بر تحولات آینده آسیای مرکزی کدامند و اهمیت آن‌ها بر موقعیت ج. ا. ایران در منطقه چگونه است؟»

پیشینه تحقیق

مجیدی و دهقان‌فرشاه (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی مؤلفه‌ها و موانع رویکرد ژئوکالچر ایران در قبال ابتکار کمربند و راه چین در آسیای مرکزی پرداخته و دریافته‌اند که سیاست منطقه‌ای ایران در آسیای مرکزی را می‌توان سیاست عاقلانه، مصلحت‌جویانه، عمل‌گرایانه و سازنده خواند که در صورت مطابقت با کلیت سیاست خارجی ایران و غیرایدئولوژیک شدن آن و سازگاری با شرایط نوین نظام بین‌الملل پسا شوروی می‌توانست به خوبی منافع کشور را در این منطقه حفظ کند، به افزایش حضور و نفوذ ایران در آن کمک کند، ایران را به عنوان رقیب جدی

در منطقه مطرح کند و زمینه ارتقای جایگاه ایران در همه ابعاد ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر را فراهم سازد. با این حال، چنین پیشرفتی به دلیل های گوناگون و به ویژه به دلیل خودداری از سازگاری با تغییر نظام بین الملل به دست نیامده است.

صفری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی ابعاد و ویژگی های محور چین- روسیه در آسیای مرکزی و فرصت هایی که راهبرد دو کشور در این منطقه پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار می دهند، پرداخته و نتیجه گرفته اند که سیاست گذاران این حوزه می توانند، ضمن ارائه تعریف روشنی از راهبرد و نقشه راه ایران در آسیای مرکزی با توجه به رویکرد مشارکت گرای تدافعی برای بهره برداری از مزایا و انتفاع از جایگاه امنیتی و ژئوپلیتیک ایران، ضمن استحکام روابط و جلب حمایت روسیه و چین هزینه های لازم برای هر کنش اقتصادی و امنیتی ایران در منطقه را کاهش دهند.

حجازی و بهمن (۱۳۹۸) در پژوهشی اقدام به شناسایی و تحلیل کنشگران موثر بر تحولات آینده منطقه آسیای مرکزی نموده و کلیه کنشگران تاثیر گذار را در سه گروه؛ کنشگران محلی (اقوام، مذاهب، جنبش ها و سایر کنشگران محلی)، منطقه ای و بین المللی دسته بندی کرده و نوع رابطه آن ها با ج.ا.ایران را تبیین کرده اند.

دیانت و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به موضوع بررسی و مقایسه شاخص های توسعه اجتماعی پنج کشور آسیای مرکزی در گرایش به گروه داعش پرداخته و نتیجه گرفته اند که نارسایی در شاخص های مختلف توسعه اجتماعی به ویژه شاخص پیشرفت اجتماعی، هزینه های آموزشی، سرانه هزینه های بهداشت و درمان و نرخ بالای مهاجرت (برون کوچی) زمینه های گرایش شهروندان کشورهای آسیای مرکزی را به سوی گروه داعش فراهم ساخته است.

عزیزی و حمیدفر (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی سیاست امنیتی ایران و روسیه در منطقه آسیای مرکزی و انگیزه های همکاری دو کشور در این منطقه پرداخته است. این نوشتار با استفاده از نظریه نو واقع گرایی نشان می دهد که به موازات گسترش تمایل آمریکا به حضور فعال در آسیای مرکزی بعد از رویداد تروریستی یازده سپتامبر، در کنار عامل هایی همچون جلوگیری از گسترش تروریسم، قاچاق مواد مخدر، جرائم سازمان یافته، انگیزه همکاری ایران و روسیه در منطقه برای مقابله با نفوذ ایالات متحده بیشتر می شود.

سرمست و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارائه الگوی منطقه‌گرایی ایران و آسیای مرکزی» به دنبال تدوین الگوی مبتنی بر ساختار ژئوپلیتیکی منطقه آسیای مرکزی و ایران برآمده‌اند که ضمن کاهش تنش‌ها و چالش‌های فیما بین به نوعی به همگرایی منطقه‌ای پایدار منجر گردد. این امر می‌تواند سبب توسعه روابط ایران و آسیای مرکزی و جلوگیری از بروز تهدیدات ژئوپلیتیکی بین ایران و آسیای مرکزی گردد که اهداف آن شناخت ساختار ژئوپلیتیکی آسیب‌های ناشی از سیاست‌گذاری گذشته و منابع تنش و تقابل در روابط میان ایران و آسیای مرکزی جهت تنش‌زدایی و کسب منافع مشترک منطقه‌ای است.

پوراحمدی میدی و بهرامی (۱۳۹۷) در پژوهشی به موضوع همکاری‌های نوین منطقه‌ای آسیای مرکزی و چشم‌انداز آینده آن پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که یکپارچگی اقتصادی آسیای مرکزی یک واقعیت است؛ اما در این فرایند شکاف‌های جدی وجود دارد: رویه عملی بسته برخی از کشورهای منطقه به تجارت درون منطقه‌ای به‌ویژه توسط ترکمنستان و ازبکستان، بسته شدن مرزها، همکاری نداشتن در زمینه‌های انرژی و آب، حکومت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای ضعیف. همکاری‌های منطقه‌ای مؤثر در میان کشورهای آسیای مرکزی، رؤیایی دور باقی مانده است؛ ولی چهار تحول اخیر به شدت از روند همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی حکایت دارد: نیت آشکار چین برای استفاده از سازمان همکاری شانگهای به عنوان ابزاری مؤثر برای حمایت از همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای؛ روند جامعه اقتصادی اوراسیا به رهبری روسیه و پیشرفت آن در ایجاد یک اتحاد گمرکی؛ تلاش اروپا و آمریکا برای حمایت از روند ادغام منطقه‌ای افغانستان؛ تلاش‌های مداوم، با حمایت چین برای تقویت برنامه همکاری اقتصادی منطقه‌ای آسیای مرکزی. احمدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تهدیدات امنیتی ج.ا.ایران در آسیای مرکزی مبتنی بر بنیادگرایی اسلامی» به این نتیجه رسیده‌اند که تهدیدات امنیتی ج.ا.ا ناشی از فعالیت‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی در حوزه نرم‌افزاری شامل اندیشه مذهبی، اندیشه قومی و اندیشه نژادی است.

کرمی و کریمیان (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی پیامدهای روندهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ارتباطاتی و همگرایی منطقه‌ای در آسیای مرکزی بر منافع جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. برابر بررسی محققان، از بدو فروپاشی شوروی تحولات برجسته آسیای مرکزی بر منافع جمهوری

اسلامی ایران به عنوان یک قدرت مطرح پیرامونی تاثیر گذاشته اما آن گونه که یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد، سیاست ایران به‌طور کلی در این حوزه بیشتر تدافعی (جلوگیری از ناامنی و تهدید احتمالی)، محتاطانه، حفظ وضع موجود و حرکت در محدوده سیاست خارجی روسیه و فاقد خلاقیت‌هایی بوده است که برای اغتنام فرصت‌ها و بهره‌بری بیشتر در جهت افزایش ثروت، نفوذ و قدرت ملی کشور در این منطقه ضرورت دارد.

بوتوبکوف^۱ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «امید واهی سیاست ایران در آسیای مرکزی» به فراز و نشیب‌های همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه ایران با جمهوری‌های منطقه طی ۲۵ سال پرداخته است. تهران در این منطقه بر خلاف منطقه خاور مرکزی که تحت نفوذ گروه‌های شیعه نیابتی ایران است، نتوانسته نفوذ موثری داشته باشد. وی دلیل اصلی ناتوانی تهران در اثبات خود به‌عنوان یک شریک اقتصادی جذاب در آسیای مرکزی را استراتژی بلندمدت آمریکا برای مهار ایران از طریق تحریم‌های اقتصادی و تقابل آن با غرب بر سر برنامه هسته‌ای بیان کرده و نتیجه گرفته است که علیرغم اشتراکات جغرافیایی، مذهبی و فرهنگی، ایران در شرایط انزوای بین‌المللی همچنان قادر به گشودن «دریچه‌ای» به آسیای مرکزی نیست و به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نمی‌تواند ظاهر شود. النعیما و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «علائق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی» به تحلیل سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی پرداخته‌اند. آنان معتقدند، ایران به منطقه آسیای مرکزی یک نگاه راهبردی دارد و این توجه می‌تواند به صادرات منابع ارزشمند از جمله نفت این منطقه کمک نماید. ایران در تلاش است تا از منابع منطقه برای دستیابی به اهداف خود بهره‌برداری کند، این در حالی است که این منطقه دارای ظرفیت‌های لازم برای این امر می‌باشد. ایران از توانایی‌ها و در دسترس بودن منابع خود آگاه است. بنابراین، تلاش دارد تا از ظرفیت‌های متعدد منطقه استفاده کند تا بتواند نفوذ خود را افزایش دهد.

آکاف و پانتین^۳ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «آسیای مرکزی به مثابه تنش اقتصادی و ژئوپلیتیکی: برخی پیامدها برای آینده جهان»، نتیجه گرفته‌اند که با آغاز قرن بیست و یکم تحول جدیدی در سیستم جهانی به وقوع پیوسته و مرکز توسعه اقتصادی و سیاسی به تدریج به شرق

1 Uran Botobekov

2 Abdalla Moh'd Dyab Al- Nouimat et al

3 Askar Akaev and Vladimir Pantin

مهاجرت کرده است. به همین دلیل است که نقش ژئوپلیتیکی کشورهای آسیای مرکزی در حال افزایش است. کشورهای آسیای مرکزی قسمت بسیار مهمی از مسیر جدید ابریشم هستند و این مسیر به دنبال اتصال آسیای شرقی به اروپا و خاور مرکزی است. ایالات متحده، چین، روسیه و سایر کنشگران به شدت برای کنترل این مسیر در حال رقابت هستند. از این رو، درگیری‌های مختلف ژئوپلیتیکی، اجتماعی و نظامی در آسیای مرکزی محتمل است.

وستنیج^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «آسیای مرکزی در تصور ژئوپلیتیک ایران» به ترسیم روابط ایران و آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پرداخته است. وی معتقد است این رویداد مجموعه جدیدی از همسایگان را در شمال برای ایران به وجود آورده و این در مقطعی رخ داد که ایران در حال تغییر جهت در سیاست خارجی خود بوده است. فاصله گرفتن از اهداف آرمان‌گرایانه افراطی (مانند صدور انقلاب اسلامی) و روی آوردن به اهداف عملی‌تر، اولویت بخشیدن به منافع ملی و پیگیری روابط خوب همسایگی را می‌توان از این جمله این تغییرات بر شمرد.

رامر و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای به عنوان «سیاست ایالات متحده در قبال آسیای مرکزی» بیان نموده‌اند که تغییرات عمده ژئوپلیتیکی و پویایی‌های داخلی منطقه آسیای مرکزی زمینه را برای احتمال افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ بین روسیه و چین فراهم می‌کند. نویسندگان این مقاله به دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا توصیه می‌کنند که سیاست این کشور باید سازگار با این تغییرات باشد تا جاه‌طلبی‌های واشنگتن در آسیای مرکزی را با منافع و ابزار محدود ایالات متحده هماهنگ کند. بیش از حد وعده دادن و تعیین اهداف بلندپروازانه اما غیر واقعی منجر به ناامیدی متقابل، بدبینی و ناامیدی در میان پنج کشور آسیای مرکزی خواهد شد.

کولنازاروف^۳ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقش ژئوپلیتیک جدید آسیای مرکزی در سیاست خارجی قدرت‌های جهانی»، نتیجه گرفته است که این منطقه، به دلیل همسایگی با دو کشور از پنج کشور دارای سلاح هسته‌ای در جهان (روسیه و چین) و دسترسی به خلیج فارس و اقیانوس هند از طریق ایران و افغانستان، دارای اهمیت استراتژیک است. پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی،

1 Edward Wastnidge
2 Eugene Rumer et al
3 Rustem Kulnazarov

بازیگران برجسته جهانی و منطقه‌ای به دنبال پر کردن خلاء ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در منطقه برآمده‌اند. روسیه در تلاش برای بازگرداندن آسیای مرکزی و چین در تلاش است تا منطقه را در مدار نفوذ خود قرار دهد.

با بررسی محتوای اصلی پژوهش‌های انجام شده می‌توان دریافت که هر یک از آن‌ها به ابعاد و جنبه‌های مختلف منطقه آسیای مرکزی پرداخته‌اند که در جای خود پژوهش‌های بسیار ارزشمندی محسوب می‌گردند، لیکن در تحقیق حاضر؛ تلاش شده است با بهره‌گیری از نتایج و دستاوردهای این پژوهش‌ها و تحلیل محتوای نظرات کارشناسان منطقه، مؤلفه‌های مؤثر بر تحولات آینده منطقه در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی- فرهنگی، امنیتی و ژئوپلیتیک شناسایی و دسته‌بندی گردد تا از این رهگذر، راهکارهای گسترش حضور راهبردی ایران در این منطقه تبیین گردد.

مبانی نظری پژوهش

آینده‌پژوهان برای شناسایی و تحلیل روندها، الگوهای گوناگونی ارائه کرده‌اند. یکی از مشهورترین الگوهای دسته‌بندی روندها «استیپ»^۱ است که سر واژه‌ی پنج واژه‌ی اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی است (فولادی و پدram، ۱۳۸۸: ۹). در این تحقیق؛ پژوهشگر با مشورت با خبرگان منطقه از میان عوامل محیطی مختلف، محورهایی همچون؛ موقعیت ژئوپلیتیکی، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، وضعیت اقتصادی، وضعیت سیاسی و چالش‌های عمده امنیتی منطقه آسیای مرکزی را به عنوان عوامل مؤثر بر آینده تحولات منطقه مفروض دانسته و مؤلفه‌های احصاء شده را بر اساس آن دسته‌بندی نموده است. در ادامه شرح مختصری از وضعیت هر یک از این محورها در منطقه آسیای مرکزی آمده است.

موقعیت ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی

منطقه آسیای مرکزی را از نظر ژئوپلیتیک باید یک خرده نظام بین‌المللی محسوب کرد و آن را به صورت یک کلیت واحد در نظر گرفت (باقوی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۵). آسیب‌پذیری مهم این منطقه، محصور بودن آن در خشکی است (کرمی، ۱۳۹۷: ۱۸۱). از آن جایی که دسترسی به

1 STEEP (Social, Technological, Economical, Environmental and Political)

دریاهای آزاد یکی از مؤلفه‌های ژئوپلیتیک کشورها به شمار می‌آید، بنابراین کشورهای آسیای مرکزی از این منظر کشوری قاره‌ای محسوب می‌شوند (دبیری، ۱۳۹۰: ۷۸). منطقه آسیای مرکزی دومین ذخایر انرژی دنیا (نفت و گاز) را در بردارد. علاوه بر این، تعداد زیادی از معادن فلزهای کمیاب مثل طلا، مس، اورانیوم و فلزات سنگین در این منطقه واقع شده‌اند (جان‌پرور و صالح‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۳۷). در گذشته‌های دور این منطقه در کانون راه ابریشم قرار داشت که شرق و جنوب آسیا را به ایران، خاورمیانه و اروپا متصل می‌کرد. در دوره جدید دولت‌های نوپا به دنبال مسیرها و خطوط ارتباطی جدیدی با دنیای پیرامون بوده‌اند. از این رو، توجه به چین، هند و ایران به عنوان مسیر ارتباطی با این مناطق و نیز جهان خارج مطرح شد (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۸۱).

فضای جغرافیایی آسیای مرکزی و به تبع آن ارزش‌های این فضا در رقابت قدرت‌ها در این منطقه مؤثر می‌باشند. مهم‌ترین ارزش‌های جغرافیایی که موضوع رقابت می‌باشند، عبارت‌اند از: موقعیت جغرافیایی، منابع انرژی، مسیرهای انتقال انرژی، سازه انسانی و بازار مصرف آسیای مرکزی (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۵). شروع رقابت به تحولات و شرایط این منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باز می‌گردد که موجب شد قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای نفوذ در کشورهای تازه استقلال‌یافته تلاش نمایند (واعظی، ۱۳۹۲: ۱). به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشور روسیه به دلیل مشکلات داخلی برای مدت کوتاهی از توجه جدی به مسائل آسیای مرکزی و قفقاز بازماند. این موضوع که سبب خلاء ژئوپلیتیک در این منطقه شد، فعالیت گسترده بازیگران منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی و نیز بازیگران جهانی مانند ناتو و آمریکا را به دنبال داشت (سیمبر و پادروند، ۱۳۹۷: ۵۷).

فدراسیون روسیه از جمله مهم‌ترین و تاثیرگذارترین بازیگران منطقه طی ۲۵ سال گذشته بوده است و در راستای حفظ وضع موجود، احیا و تقویت جایگاه سنتی و هژمونیک در این منطقه، حفظ کشورهای منطقه در مدار سیاست خارجی و دفاعی مسکو و در نهایت مقابله با اهداف و سیاست‌های قدرت‌های رقیب به ویژه ناتو، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، کوشش‌های متعددی را در سطح مناسبات دو جانبه با پنج کشور منطقه و نیز در سطح سازوکارهای چند جانبه نظیر جامعه کشورهای مشترک‌المنافع، پیمان امنیت دسته جمعی، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به اجرا گذاشته است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۶: ۱۷۵).

منطقه آسیای مرکزی برای آمریکا اهمیت ژئوپلیتیکی بالایی دارد؛ به این شکل که استقرار آمریکا در آسیای مرکزی می تواند ضمن مبارزه مستقیم با تروریسم و استفاده از منابع انرژی منطقه، از یک سو به گسترش نفوذ این کشور و از سوی دیگر به کنترل و مقابله با نفوذ رقبای سنتی اش همچون روسیه و چین منجر شود (جوادی ارجمند و سلوورزی زاده، ۱۳۹۶: ۲۷۱).

چین به عنوان همسایه قدرتمند این منطقه از جمله کشورهایی است که همواره نگاه ویژه‌ای به این منطقه داشته است. حضور چین در منطقه فراتر از منطبقاً اقتصادی بوده و به دنبال آن است تا با استفاده از اقدامات سیاسی و هماهنگی های دیپلماتیک به حفظ ثبات منطقه کمک کرده و تهدیدات امنیتی خود را تعدیل نماید (بولونیا، ۲۰۱۹: ۱۳). چین بزرگ ترین وارد کننده جهانی گاز طبیعی و نفت خام است و به همین واسطه به روسیه بسیار وابسته است. این منطقه غنی از هیدروکربن می تواند به عنوان منبع جایگزین واردات انرژی عمل کند و وابستگی چین به مسکو را کاهش دهد (سهای، ۲۰۱۹: ۲).

در دوره اولیه استقلال یک جهت گیری ژئوپلیتیکی در حال رشد نسبت به غرب نمایان بود و فشار برای پیوستن به بازارهای آزاد و نسخه اقتصادی لیبرال، با درجات مختلفی از موفقیت در سراسر منطقه به اجرا در آمد (رامر ۳ و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۶) در همین راستا؛ دولت های نوظهور منطقه فرصت بالقوه دیگری را برای ارتقای قدرت نسبی ترکیه در سطح منطقه ای و جهانی فراهم آوردند. بنابراین، ترکیه برای ایجاد روابط صمیمانه با تمام دولت های آسیای مرکزی، به ترویج الگوی سیاسی دموکراسی سکولار و الگوی اقتصادی سرمایه داری در این کشورها اقدام نمود (کوشکی و بصیری نیا، ۱۳۹۸: ۱۸۴).

اگرچه اروپایی ها به محدودیت های ظرفیت های خود در آسیای مرکزی واقف اند، اما به دنبال آن هستند تا با اتخاذ سیاست های فعال در منطقه، در تحولات ژئوپلیتیکی و تغییر در روابط بین بازیگران اصلی منطقه (روسیه، چین و آمریکا) نقش قابل توجه ای ایفا نمایند (کلیبایاوا و همکاران، ۲۰۱۸: ۵۲). شاید بتوان برنامه های اتحادیه اروپا در کمک به کشورهای منطقه در بهبود

1 Bolonina
2 Sahai
3 Rumer
4 Kilybayeva

امنیت مرزها و مقابله با قاچاق مواد مخدر را در همین راستا ارزیابی نمود (راسل، ۱، ۲۰۱۹: ۵). رژیم صهیونیستی نیز به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای به صورت خزنده در حال افزایش حضور خود در منطقه آسیای مرکزی و خزر است (بصیری ۲ و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۱۹).

رشد پایدار اقتصادی هند از اوایل دهه ۱۹۹۰، همراه با ظهور آن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان محصولات مرتبط با نفت و گاز در جهان، پایه جدیدی را برای تعریف مجدد روابط سنتی این کشور با منطقه آسیای مرکزی فراهم کرده است. علاقه راهبردی هند، شامل امنیت انرژی، توسعه تجارت و برنامه توسعه زیرساخت‌های این منطقه است (کاتری ۳، ۲۰۱۸: ۲۸). پاکستان نیز دارای منافع راهبردی و اقتصادی عظیمی در آسیای مرکزی است. منافع اقتصادی مهم‌ترین دلیل برقراری روابط دو جانبه بین پاکستان و کشورهای منطقه بوده و در این میان پیشرفت و تقویت مناسبات هماهنگ اقتصادی مهم‌ترین هدف این کشور در منطقه است (جاوید و دشتی ۴، ۲۰۱۶: ۶۸).

در خصوص ایران نیز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خود از جمله برخورداری از مرزهای مشترک طولانی با منطقه‌ی آسیای مرکزی، همجواری با آب‌های آزاد و برخورداری از اشتراکات فرهنگی، قومی، زبانی و مذهبی با کشورهای منطقه، علائق ژئوپلیتیکی خاصی در این منطقه دارد (واعظی، ۱۳۹۱).

ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی آسیای مرکزی

اتحاد شوروی در اواخر سده بیستم فروپاشید و پانزده کشور جدید جایگزین آن شدند. از بین این کشورهای نواستقلال، پنج کشور، منطقه آسیای مرکزی را در همسایگی شمالی ایران تشکیل می‌دهند که از نظر فرهنگی و تاریخی از گذشته‌های دور با ایران و جهان اسلام ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند (محمودی و حکمت‌آرا، ۱۳۹۸: ۱۹۹). منطقه آسیای مرکزی با داشتن ۸۰ درصد مسلمان (۹۵ درصد اهل تسنن و ۵ درصد اهل تشیع)، یکی از مناطق مهم جهان اسلام محسوب می‌گردد (بهمن، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

1 Russell
2 Basiri
3 Kothari
4 Dashti & Javid

از نظر فرهنگی مردم آسیای مرکزی فارغ از این که در کدام جمهوری زندگی می‌کنند عموماً در نمادهای کلان فرهنگی مشترک هستند. مثلاً در آداب غذا پختن و خوردن، مهمان‌نوازی، بزرگداشت اعیاد و برگزاری جشن‌های عروسی، موسیقی و ... تشابهات بسیار زیادی با هم دارند (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۲۶-۲۵). از لحاظ مذهبی، منطقه آسیای مرکزی از دوران کهن تاکنون همواره مهد ادیان و مذاهب متعدد بوده است؛ به‌نحوی که در طول قرن‌های متمادی، ادیان مختلف یکی پس از دیگری در این منطقه ترویج شده‌اند و مردم را به‌سوی خود جلب نموده‌اند. ادیان بودائی، زرتشتی، مانوی، مزدکی، یهودی، مسیحی و ... در طول تاریخ، مذهب مردم این منطقه را تشکیل داده‌اند. در این بین ظهور «اسلام» در قرن هفتم میلادی، چهره مذهبی آسیای مرکزی را تغییر داد و از آن پس به مذهب اصلی این منطقه تبدیل شد (بهمن، ۱۳۹۳: ۷-۶).

آسیای مرکزی را می‌توان به‌دلیل پیوندهای تاریخی و تمدنی به‌ویژه در حوزه‌های دینی، زبانی و آداب و رسوم مشترک به عنوان جزئی از تاریخ و تمدن ایران به‌شمار آورد که در صورت هوشمندی و آینده‌نگری و زمینه‌سازی برای اجرای یک دیپلماسی فعال فرهنگی با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی کشور در حوزه‌های مختلف فرهنگی می‌تواند بار دیگر ایران را به قطب فرهنگی منطقه تبدیل کند (مجیدی و دهقان‌فرشاه، ۱۳۹۹: ۲۵۰). با وجود اشتراکات فراوان میان ایرانیان و مردم منطقه، هنگامی که کشورهای آسیای مرکزی به استقلال رسیدند، ایران از یک سو در صدد معرفی فرهنگ اسلامی به منطقه برآمد و از سوی دیگر اشتراکات و پیوندهای فرهنگ و هویت نژادی، قومی و زبانی با مردم آسیای مرکزی را زمینه‌ی فعالیت‌های متنوع فرهنگی قرار داد. در این شرایط، ایران با احساس قرابت تاریخی و فرهنگی به آسیای مرکزی با اتخاذ سیاستی واقع‌بینانه، به بسط مناسبات فرهنگی با این جمهوری‌ها پرداخت (کولایی و رواء، ۱۳۹۷: ۱۰۹). در مجموع؛ دولت جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق این اهداف و منافع، واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه، بیشتر بر عناصر اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیک تاکید نموده است (کرمی، ۱۳۹۷: ۱۷۳).

وضعیت اقتصادی آسیای مرکزی

بعد از استقلال تقریباً همه کشورهای منطقه گام‌هایی را برای تغییر نظام اقتصادی دستوری و حرکت به سمت نظام اقتصادی بازارمحور و تلاش برای ادغام در اقتصاد جهانی به‌عمل آوردند.

تهیه و تصویب سیاست‌ها و راهبردهای جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی و خصوصی‌سازی نسبی اموال و دارایی‌های دولتی از مهم‌ترین اقدام‌های این کشورها در این خصوص بوده است (رضایی اسکندری، ۱۳۹۰: ۲۶). مشکلات اقتصادی جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی، رویکرد این جمهوری‌ها به غرب در پیگیری هدف‌های توسعه و نوسازی و منافع غرب در پر کردن خلأ اقتصادی در منطقه و تشویق اصلاحات همسو با اصول و ارزش‌های اقتصاد بازار از عوامل زمینه‌ساز افزایش نفوذ غرب در منطقه بوده است (سبزیان موسی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

با وجود آن‌که موفقیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی تا حد زیادی به تصمیم‌های داخلی دولت‌های منطقه وابسته است، با این حال، نمی‌توان به‌سادگی از این واقعیت گذشت که هیچ‌یک از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، فشرده‌تر از کشورهای آسیای مرکزی به‌یکدیگر پیوند نخورده‌اند. از این رو می‌توان وضعیت اقتصادی آسیای مرکزی را از یک سو در «شرایط اقتصادی کشورها به‌صورت منفرد» جستجو نمود و از سوی دیگر با اتکا بر «همکاری‌های منطقه‌ای» به بررسی اوضاع اقتصادی آسیای مرکزی پرداخت (سنایی، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۶).

از میان کشورهای منطقه، سطح توسعه اقتصادی قرقیزستان و تاجیکستان به نسبت سایر کشورهای منطقه پایین‌تر است، البته این مساله در دوران قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هم نمود داشته و تاکنون نیز این روند ادامه دارد که پیامد آن فقر، بیکاری، توسعه‌نیافتگی، مهاجرت شدید نیروهای کار به سمت روسیه بوده است (عسگریان، ۱۳۹۴: ۱۶۵).

همچنین با وجود اهمیت متقابل ایران برای کشورهای محصور در خشکی این منطقه (به ویژه قزاقستان و ترکمنستان) به‌عنوان دروازه‌ای برای اتصال به دریای آزاد و دستیابی به بازارهای جهانی انرژی، اما تفاوت کشورهای منطقه در زیرساخت‌ها، منابع قدرت، موقعیت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک، گرایش به بازیگران فرامنطقه‌ای از جمله روسیه، چین، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا و همچنین فشارهای اخیر ایالات متحده بر ایران و پیامدهای احتمالی آن بر آن‌ها موجب می‌شود، کشورهای منطقه سطح تعاملات خود را با ایران را متأثر از چنین عواملی تنظیم کنند. لذا به نظر می‌رسد در چنین فضایی توسعه روابط اثرگذار میان ایران و کشورهای منطقه دست کم در کوتاه‌مدت پیچیده باشد (صفری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۲-۱۳۱).

یکی از واقعیت‌های ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران، مرکزیت فرهنگی آن در بین همسایگانش و قدرت نرم در تصرف بازارهای منطقه می‌باشد. با درک این موضوع می‌توان در جهت اقتصادی متناسب با این مولفه ژئوپلیتیکی در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی گام برداشت (گل‌کرمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰). جمهوری اسلامی ایران با سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و گسترش روابط سیاسی می‌تواند پیوندهای حیاتی و راهبردی را با دولت‌های منطقه برقرار کند و به موازات جلب اعتماد دولت‌ها با استفاده از دیپلماسی فرهنگی که بر پایه پیوندهای زبانی، تاریخی و هویتی بنا شده به اقناع مردم منطقه و جذب آن‌ها حول محور فرهنگ مشترک اقدام کند (میرفخرایی و فیروزمندی بندپی، ۱۳۹۶: ۴۳۷).

البته از این نکته هم نباید غافل ماند که ایران و روسیه در حوزه ژئوپلیتیک، منافع موازی و در حوزه ژئواکونومیک منافع متعارض و متضاد داشته‌اند. شاید به همین دلیل است که ایران در حال حاضر از نظر اقتصادی حتی در شمار ده شریک اصلی منطقه آسیای مرکزی نیست (ولی‌زاده و صالحی، ۱۳۹۹: ۳۱۴).

وضعیت سیاسی آسیای مرکزی

مش حکومتی حاکمان منطقه اقتدارگرایانه است و قریب به اتفاق روسای جمهور نسل اول و دوم این جمهوری‌ها از دبیران اول و منصب‌داران حزب کمونیست زمان شوروی بودند. هر چند که در شرایط حاضر حکومت‌های کمونیستی برافتاده و تثبیت به مدل حکومتی لیبرال دموکراسی سیاست روز شده است، ولی هنوز در عمل آموزه‌های مکتب کمونیسم راهنمای عمل حکمرانان به شمار می‌رود. همه حکومت‌های منطقه قائل به جدایی دین از سیاست هستند و به شدت با دخالت دین در سیاست مخالفند و امکان رشد به جریان‌های سیاسی نمی‌دهند (باقری‌مقدم، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۲).

دولت ازبکستان دولتی سکولار و حامی جدایی دین از سیاست است. قانون اساسی این کشور آزادی‌های دینی و مذهبی را تضمین کرده و بر جدایی دین از سیاست تأکید دارد. اما در عمل دولت ازبکستان این قانون را رعایت نکرده و آزادی‌های دینی و مذهبی با دشواری‌هایی همراه است. طبق قانون اساسی تاجیکستان، تشکیلات و گروه‌های دینی حق دخالت در امور سیاسی را ندارند و از ورود به حیطه کارهای دولتی منع شده‌اند. دولت ترکمنستان نیز دولتی سکولار بوده و جدایی دین از سیاست در قانون اساسی آن آورده شده است. قانون اساسی این کشور هیچ دینی را

به رسمیت نشناخته و با ذکر جدایی سازمان‌های دینی از دولت از فعالیت‌های سیاسی آنان جلوگیری می‌کند. دولت قزاقستان با تصویب قانونی در سال ۱۹۹۵ رسماً این کشور را، کشوری سکولار معرفی می‌کند و مذاهب نقشی در نظام سیاسی آن ندارند (فلاح، ۱۳۹۰: ۳۲). ولی در هر حال این کشور با عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی وجهه یک کشور مذهبی با هویتی اسلامی به خود گرفته است (قزاقستان، ۱۳۸۸: ۲۶). قانون اساسی جمهوری قرقیزستان آزادی ادیان را تضمین کرده و دولت قرقیزستان سعی در اجرای این قانون دارد. با وجود این دولت در رابطه با گروه‌های اسلامی که از سوی آن‌ها احساس خطر می‌شود، سخت‌گیری‌هایی را اعمال می‌کند. از سوی دیگر جمهوری قرقیزستان کشوری سکولار بوده و بند هشتم قانون اساسی این کشور بر جدایی دین از سیاست و عدم حمایت دولت از دینی خاص تصریح دارد (احمدی‌لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۳: ۴۴۵). با وجود این آسیای مرکزی به عنوان بخشی از جهان اسلام دارای چند جریان و جنبش اسلامی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. در حال حاضر، گروه‌ها و جنبش‌ها به عنوان اپوزیسیون دولت‌های کنونی‌شان عمل می‌کنند و همه خواهان تغییر وضع موجود هستند؛ اما در روش رسیدن به این هدف با یکدیگر تفاوت دارند (فوزی و پایاب، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۵). جنبش اسلامی ازبکستان، حزب التحریر، حزب نهضت اسلامی تاجیکستان، حزب النصرت، جنبش اسلامی آسیای مرکزی و حزب دموکراتیک خلق تاجیکستان از احزاب به نام این منطقه محسوب می‌گردند.

چالش‌های امنیتی آسیای مرکزی

تعدد بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و تنوع منافع، منطقه آسیای مرکزی را به چهار راه تلاقی استراتژی‌ها تبدیل کرده و موجبات ظهور و بروز تنش‌ها و بحران‌های گوناگون را فراهم آورده است (باقری‌مقدم، ۱۳۹۴: ۷). در عرصه امنیت از فردای فروپاشی شوروی و تضعیف نهادهای دولتی، به‌خاطر هم‌جواری برخی از آن‌ها با کشور افغانستان و شرایط خاص آن در آن زمان، بیشتر کشورهای منطقه نگران ناامنی و ظهور و بروز تهدیدهای گوناگون شدند و این موضوع به‌ویژه برای کشورهای جنوبی اوراسیای مرکزی همانند تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان بیشتر بود. کهنه سربازان بازگشته از جنگ افغانستان در منطقه مذکور و به‌ویژه در دره فرغانه می‌توانستند منشاء مشکلاتی برای این کشورها باشند (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۸۴). این دره به‌عنوان دیگ جوشان با

جمعیتی از ملیت‌های مختلف و با مشکلاتی مانند ازدیاد جمعیت، کمبود زمین و آب، بیکاری، فساد، مواد مخدر، بزهکاری و اختلافات مرزی در گسترش گروه‌های تندرو اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (سیفرت، ۲۰۱۶: ۳). در حال حاضر، افزایش گروه‌های مخفی تندرو و احتمال گسترش ایدئولوژی افراطی را نمی‌توان در این منطقه رد کرد (مانی، ۲۰۱۶: ۱۷۴).

آسیای مرکزی به دلیل وجود مشکلات ریشه‌ای در زمینه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای بستر مساعد برای خشونت‌گرایی و انجام اقدام‌های تروریستی است. آسیای مرکزی و قفقاز بعد از اروپا و خاورمیانه جایگاه سوم را در تامین نیروی انسانی داعش بر عهده داشته است (عزیزی و حمیدفر، ۱۳۹۸: ۳۸۲). داعش بازیگر در سایه‌ای است که به‌طور فزاینده‌ای فعالیت خود را از سال ۲۰۱۴ در منطقه آغاز نموده است. همراه با این روند، استبداد و بی‌ثباتی سیاسی جمهوری‌های منطقه نگرانی مشترک در منطقه است که به‌عنوان ضعف اساسی، زمینه‌های مساعدی را به‌منظور حضور و وسیع‌تر داعش در منطقه فراهم نموده است (اسمیت، ۲۰۱۵: ۱۰).

خطر بنیادگرایان اسلامی به‌عنوان تهدید اصلی هر پنج کشور آسیای مرکزی محسوب می‌شود (تیلیوین، ۲۰۱۶: ۳۰۳). حکومت‌های اقتدارگرای آسیای مرکزی احساس می‌کنند که اسلام سیاسی به‌خصوص شکل سلفی‌گری آن تهدیدی بر حکومت آن‌ها خواهد بود (محمودی و لطیف‌اف، ۱۳۹۴: ۷).

علاوه بر سیاست سرکوب هویت اسلامی، عوامل دیگری نیز مانند مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی، فقر و به‌ویژه مدیریت ناکارآمد حکومت‌های آسیای مرکزی باعث توسعه افراط‌گرایی مذهبی در این منطقه شده است (آثار تمر، ۱۳۹۳: ۲۴۵-۲۴۶).

اهمیت سلفی‌گری افراطی در منطقه از آن لحاظ است که این گروه‌ها تحت تأثیر اندیشه‌های سنی- وهابی قرار دارند که در صورت قدرت‌گیری آن‌ها، همواره نمی‌توان رویکرد مناسبی با ج.ا. ایران در ارتباط با این گروه‌ها متصور بود (آقایی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۷۶). واقعیت این است که رشد رادیکالیسم مذهبی در آسیای مرکزی و هر نقطه دیگر جهان، نه تنها برای ایران مطلوب نیست، بلکه هم با بنیاد سیاست مذهبی ایران در تعارض است و هم تهدیدی بر منافع ملی تلقی

1 Seifert
2 Muni
3 Smith
4 Tiliouine

می‌شود (فیرحی، ۱۳۹۵: ۲۰۱). با توجه به این‌که ایران از اندک کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه است که نه تنها از خوانش افراطی گروه‌های تروریستی وهابی که هم اکنون در همه نقاط جهان مشغول وحشت‌آفرینی و کشتار و خشونت هستند حمایت نمی‌کند، بلکه دشمن ایدئولوژیک آنان نیز هست، می‌تواند متحد خوبی برای کشورهای منطقه در مبارزه با افراط‌گرایی و خطرهای ناشی از آن باشد (میرفخرایی و فیروزمندی بندپی، ۱۳۹۶: ۴۴۰).

در عصر جدید منطقه آسیای مرکزی بیشترین تهدید را از سوی تروریسم بین‌المللی، باندهای تجاوز کار و تجارت مواد مخدر تجربه کرده است (عزیزی و حمیدفر، ۱۳۹۸: ۳۸۲). آسیای مرکزی کمتر از یک دهه پس فروپاشی شوروی در شمار اصلی‌ترین گذرگاه‌های عبور مواد مخدر جهان قرار گرفت. وانگهی این وضعیت به‌طور پیوسته رو به وخامت بوده و امروزه هر پنج دولت واقع در این منطقه علاوه بر مسیر عبور به مقر تولید، تغییر شکل (ساخت مواد مخدر جدید بر پایه تریاک و هروئین وارداتی) و مصرف مواد مخدر نیز تبدیل شده‌اند (هاشمی و محمدی، ۱۳۹۸: ۱۶۰).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر بر مبنای هدف، یک تحقیق «کاربردی- توسعه‌ای» و بر مبنای ماهیت «توصیفی- پیمایشی» بوده که از رویکردی «آمیخته» برخوردار است. جامعه آماری تحقیق شامل آن دسته از خبرگان و کارشناسانی است که سابقه حضور و فعالیت در منطقه را داشته‌اند. حجم نمونه در بخش کیفی با توجه به اشباع نظری شامل ۱۲ نفر و در بخش کمی شامل ۳۲ نفر از خبرگان و کارشناسان منطقه بوده که به روش «گلوله برفی» شناسایی و به صورت «هدفمند» انتخاب گردیده‌اند. به‌منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز جهت تدوین ادبیات تحقیق و سوابق مسأله از «مطالعات کتابخانه‌ای» با استفاده از «ابزار فیش‌برداری» و در خصوص جمع‌آوری داده‌های واقعی نیز از «مطالعات میدانی» با استفاده از ابزار «مصاحبه نیمه‌ساختاریافته» و «پرسشنامه بسته» استفاده شده است. سئوالات مصاحبه و پرسشنامه از دو جنبه روایی ظاهری و محتوا به جهت روشن و بدون ابهام بودن گویه‌ها و همچنین کفایت کمیت و کیفیت آن‌ها توسط خبرگان تأیید گردیده و ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۶۹ محاسبه گردید که بیانگر پایایی بالای آن بوده است. به‌منظور محاسبه پایایی کدگذاری مصاحبه‌ها نیز از روش «شاخص ثبات یا پایایی بازآزمون»^۱

1 Re- test Reliability

استفاده شده است که میزان آن ۸۲ درصد محاسبه شده که بیانگر تأیید پایایی کدگذاری مصاحبه‌های این تحقیق است.

در این پژوهش به منظور پاسخ به سؤال تحقیق، ابتدا در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته با جامعه خبرگی به عمل آمد و سپس با استفاده از «تحلیل محتوای کیفی استقرایی» مصاحبه‌ها، عوامل کلیدی منطقه آسیای مرکزی که به نظر می‌رسید می‌توانند بر موقعیت آینده ج.ا.ایران در این منطقه تأثیرگذار باشند، احصاء گردید. در بخش کمی نیز به منظور دریافت تأییدیه و اولویت‌بندی گزاره‌های احصاء شده از مصاحبه‌ها، پرسشنامه‌ای تنظیم و توزیع گردید که در آن ضمن پرسش در خصوص موثر بودن یا نبودن هر یک از گویه‌ها، میزان اهمیت آن‌ها نیز بر اساس عددی بین ۱ تا ۱۰ مورد سنجش قرار گرفت. داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌ها با بهره‌گیری از «آماره‌ها یا پارامترهای توصیفی» با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و به منظور اولویت‌بندی گزاره‌ها نیز از «روش آنتروپی شانون»^۱ استفاده گردید.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل آماری داده‌های جمعیت‌شناختی

اطلاعات جمع‌آوری شده مربوط به پاسخ‌دهندگان و توصیف آماری آن به شرح جدول (۲) است.

جدول (۲): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه آماری (بر حسب درصد)

سن خدمتی	۱۰ الی ۱۵ سال	۱۵ الی ۲۰ سال	۲۰ الی ۲۵ سال	۲۵ الی ۳۰ سال	۳۰ سال به بالا
سن خدمتی	۹/۳۸	۲۱/۸۷	۲۵	۲۸/۱۳	۱۵/۶۲
رشته تحصیلی	مطالعات منطقه‌ای	علوم سیاسی	جغرافیای سیاسی	مدیریت راهبردی	روابط بین‌الملل
محل خدمتی	مراکز راهبردی	امور خارجه	خبرگان دانشگاهی	نیروهای مسلح	وزارت اطلاعات
سطح تحصیلات	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دانشجوی دکتری	دکتری	
فعالیت در منطقه	یک تا سه سال	سه تا پنج سال	بیش از پنج سال		
	۱۵/۶۲	۳۷/۵	۴۶/۸۸	۳۴/۳۷	۱۸/۷۵

1 Shnnon Entropy Method

نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌های تحقیق

به منظور پاسخ گویی به سؤال پژوهش، فهرستی از عوامل تاثیرگذار مرتبط با تحولات آینده آسیای مرکزی در ابعاد؛ اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیک بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با کارشناسان و خبرگان منطقه احصاء و توسط جامعه خبرگی تحقیق، مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این گام، علاوه بر پرسش در خصوص موافقت خبرگان با تاثیرگذار بودن هر یک از مولفه‌ها در آینده موقعیت ایران در منطقه، میزان اهمیت آن‌ها نیز مورد سؤال قرار گرفته و با استفاده از روش آنتروپی شانون رتبه‌بندی شده است. در ادامه جداول مربوطه آمده است.

جدول (۳): مولفه‌های اجتماعی - فرهنگی مرتبط با تحولات آسیای مرکزی

رتبه	عوامل کلیدی	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت
۱	وجود تنوع قومی و نژادی در آسیای مرکزی	موافق	۱۰۰	۰/۰۸۷۲
۲	اکثریت بیش از ۷۰ درصدی مسلمانان	مخالف	۳/۱	۰/۰۸۷۲
		موافق	۹۶/۹	
۳	ناسیونالیسم قومی	مخالف	۳/۱	۰/۰۸۷۲
		موافق	۹۶/۹	
۴	جریان روس‌گرایی	مخالف	۶/۳	۰/۰۸۶۰
		موافق	۹۳/۸	
۵	اسلام سنتی (عرفی)	مخالف	۶/۳	۰/۰۸۵۸
		موافق	۹۳/۸	
۶	اسلام افراطی	مخالف	۶/۳	۰/۰۸۵۵
		موافق	۹۳/۸	
۷	جریان غرب‌گرایی	مخالف	۶/۳	۰/۰۸۵۲
		موافق	۹۳/۸	
۸	جریان ترک‌گرایی (عثمان ترکیسم و پان تورانیسم)	مخالف	۱۲/۵	۰/۰۸۳۷
		موافق	۸۷/۵	
۹	جریان فرهنگی - تمدنی ایرانی (ایران‌گرایی)	مخالف	۱۸/۸	۰/۰۷۹۹
		موافق	۸۱/۲	
۱۰	اسلام حکومتی	مخالف	۱۸/۸	۰/۰۷۹۱
		موافق	۸۱/۲	
۱۱	ناسیونالیسم ملی	مخالف	۲۱/۹	۰/۰۷۸۹
		موافق	۷۸/۱	

همان گونه در جدول (۳) آمده است، خبرگان بیش از حد نصاب (۵۰ درصد) موافقت خود را با عوامل اجتماعی - فرهنگی احصاء شده اعلام نموده‌اند. از میان عوامل مذکور، بیشترین اهمیت به تربیت به عواملی همچون؛ وجود تنوع قومی و نژادی در منطقه، اکثریت بیش از ۷۰ درصدی مسلمانان، ناسیونالیسم قومی، جریان روس‌گرایی اختصاص یافته است.

جدول (۴): مولفه‌های اقتصادی مرتبط با تحولات آینده آسیای مرکزی

رتبه	عوامل کلیدی	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت
۱	وجود ذخایر نفت و گاز در آسیای مرکزی	موافق	۱۰۰	۰/۱۱۶۵
۲	فساد اقتصادی و اداری حاکم بر جمهوری‌های آسیای مرکزی	مخالف	۳/۱	۰/۱۱۵۸
		موافق	۹۶/۹	
۳	گسترش روزافزون حضور اقتصادی چین در منطقه	مخالف	۳/۱	۰/۱۱۵۰
		موافق	۹۶/۹	
۴	وابستگی و اتکای اقتصاد آسیای مرکزی به روسیه	مخالف	۶/۳	۰/۱۱۴۵
		موافق	۹۳/۸	
۵	فقدان زیرساخت‌های اقتصادی مناسب در آسیای مرکزی	مخالف	۶/۲	۰/۱۱۳۷
		موافق	۹۳/۸	
۶	اقتصاد تک محصولی و وابسته به نفت و گاز	مخالف	۱۲/۵	۰/۱۱۳۴
		موافق	۸۷/۵	
۷	ظرفیت‌های توسعه کشاورزی در آسیای مرکزی	مخالف	۱۵/۶	۰/۱۰۸۸
		موافق	۸۴/۴	
۸	ظرفیت‌های توسعه صنعتی در آسیای مرکزی	مخالف	۲۸/۱	۰/۱۰۲۴
		موافق	۷۱/۹	
۹	ظرفیت‌های صنعت توریسم در آسیای مرکزی	مخالف	۳۱/۳	۰/۱
		موافق	۶۸/۷	

همان گونه در جدول (۴) آمده است، خبرگان بیش از حد نصاب (۵۰ درصد) موافقت خود را با عوامل اقتصادی احصاء شده اعلام نموده‌اند. از میان عوامل مذکور، بیشترین اهمیت به تربیت به عواملی همچون؛ وجود ذخایر نفت و گاز در آسیای مرکزی، فساد اقتصادی و اداری حاکم و گسترش حضور چین در منطقه اختصاص یافته است.

جدول (۵): مولفه‌های سیاسی مرتبط با تحولات آسیای مرکزی

رتبه	عوامل کلیدی	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت
۱	روسای جمهور خودکامه	موافق	۱۰۰	۰/۱۲۸۱
۲	مقابله با هرگونه فعالیت جریان‌های اسلام‌گرا	موافق	۱۰۰	۰/۱۲۶۷
۳	سکولار بودن حکومت‌های منطقه آسیای مرکزی	مخالف	۳/۱	۰/۱۲۶۴
		موافق	۹۶/۹	
۴	فقدان آزادی‌های سیاسی	مخالف	۳/۱	۰/۱۲۶۴
		موافق	۹۶/۹	
۵	فقدان آزادی جهت فعالیت رسمی احزاب مخالف حاکمیت	مخالف	۶/۳	۰/۱۲۵۶
		موافق	۹۳/۸	
۶	هراس از جمهوری اسلامی به واسطه گسترش انقلاب اسلامی در منطقه	مخالف	۶/۳	۰/۱۲۴۲
		موافق	۹۳/۸	
۷	وابستگی سیاسی به روسیه	مخالف	۹/۴	۰/۱۲۴۱
		موافق	۹۰/۶	
۸	قانون اساسی غیر دموکراتیک	مخالف	۲۱/۹	۰/۱۱۸۷
		موافق	۷۸/۱	

همان‌گونه در جدول (۵) آمده است، خبرگان بیش از حد نصاب (۵۰ درصد) موافقت خود را با عوامل سیاسی احصاء شده اعلام نموده‌اند. از میان عوامل مذکور، بیشترین اهمیت به تربیت به عواملی همچون؛ روسای جمهور خودکامه، مقابله با هرگونه فعالیت جریان‌های اسلام‌گرا، سکولار بودن حکومت‌های منطقه و فقدان آزادی‌های سیاسی اختصاص یافته است.

جدول (۶): مولفه‌های امنیتی مرتبط با تحولات آسیای مرکزی

رتبه	عوامل کلیدی	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت
۱	گسترش سلفی‌گری در آسیای مرکزی	مخالف	۳,۲	۰,۱۱۴۳
		موافق	۹۶,۹	
۲	مناقشات مرزی بین جمهوری‌های منطقه	موافق	۱۰۰	۰,۱۱۳۳
۳	همجواری با افغانستان و خطر نفوذ طالبان در آسیای مرکزی	مخالف	۳,۱	۰,۱۱۲۷
		موافق	۹۶,۹	
۴	گسترش فعالیت جریان‌ها و احزاب سیاسی اسلام‌گرای افراطی	مخالف	۶,۳	۰,۱۱۲۰
		موافق	۹۳,۸	

جدول (۶): مولفه‌های امنیتی مرتبط با تحولات آسیای مرکزی

رتبه	عوامل کلیدی	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت
۵	گسترش حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی	مخالف	۶/۳	۰/۱۱۱۷
		موافق	۹۳/۸	
۶	حاکم بودن جو شدید امنیتی در جمهوری‌های منطقه	مخالف	۶/۳	۰/۱۱۱۳
		موافق	۹۳/۸	
۷	گسترش حضور رژیم اشغالگر قدس در منطقه آسیای مرکزی	مخالف	۶/۳	۰/۱۱۰۱
		موافق	۹۳/۸	
۸	تاثیرگذاری پیمان امنیتی شانگهای در تحولات منطقه آسیای مرکزی	مخالف	۱۲/۵	۰/۱۰۸۵
		موافق	۸۷/۵	
۹	افزایش تجارت مواد مخدر در آسیای مرکزی	مخالف	۱۵/۶	۰/۱۰۶۲
		موافق	۸۴/۴	

همان‌گونه در جدول (۶) آمده است، خبرگان بیش از حد نصاب (۵۰ درصد) موافقت خود را با عوامل امنیتی احصاء شده اعلام نموده‌اند. از میان عوامل مذکور، بیشترین اهمیت به تربیت به عواملی همچون؛ گسترش سلفی‌گری، مناقشات مرزی بین جمهوری‌های منطقه، همجواری با افغانستان و خطر نفوذ طالبان و گسترش فعالیت جریان‌ها، احزاب سیاسی اسلام‌گرای افراطی در آسیای مرکزی اختصاص یافته است.

جدول (۷): مولفه‌های ژئوپلیتیک مرتبط با تحولات آسیای مرکزی

رتبه	عوامل کلیدی	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت
۱	همجواری با سه کشور تاثیرگذار جهانی (ایران، روسیه و چین)	موافق	۱۰۰	۰/۱۱۵۸
۲	برخورداری از منابع غنی انرژی (نفت و گاز)	موافق	۱۰۰	۰/۱۱۵۳
۳	ارزش استراتژیک و ژئواکونومیک دریای خزر (ترکمنستان و قزاقستان)	موافق	۱۰۰	۰/۱۱۵۰
۴	محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به آب‌های آزاد	مخالف	۳/۱	۰/۱۱۴۱
		موافق	۹۶/۹	
۵	موقعیت گذرگاهی - ارتباطی (جاده ابریشم)	مخالف	۶/۳	۰/۱۱۳۲
		موافق	۹۳/۸	

جدول (۷): مولفه‌های ژئوپلیتیک مرتبط با تحولات آسیای مرکزی

رتبه	عوامل کلیدی	پاسخ	درصد	ضریب اهمیت
۶	علاقه مشترک فرهنگی، تاریخی و اقتصادی با برخی همسایگان	مخالف	۹/۴	۰/۱۱۰۶
		موافق	۹۰/۶	
۷	کنترل تولید منابع و خطوط لوله انرژی	مخالف	۹/۴	۰/۱۱۰۱
		موافق	۹۰/۶	
۸	عدم برخورداری از منابع مکفی آب‌های سطحی و زیرزمینی	مخالف	۱۵/۶	۰/۱۰۸۰
		موافق	۸۴/۴	
۹	توان ایران در تأثیرگذاری بر بحران‌های منطقه	مخالف	۳۴/۴	۰/۰۹۸۷
		موافق	۶۵/۶	

همان‌گونه در جدول (۷) آمده است، خبرگان بیش از حد نصاب (۵۰ درصد) موافقت خود را با عوامل ژئوپلیتیک احصاء شده اعلام نموده‌اند. از میان عوامل مذکور، بیشترین اهمیت به تربیت به عواملی همچون؛ همجواری با سه کشور تأثیرگذار جهانی ایران، روسیه و چین، برخورداری از منابع غنی انرژی نفت و گاز، ارزش استراتژیک و ژئواکونومیک دریای خزر (ترکمنستان و قزاقستان)، موقعیت گذرگاهی-ارتباطی (جاده ابریشم)، محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به آب‌های آزاد اختصاص یافته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

منطقه آسیای مرکزی به واسطه اشتراکات گسترده مذهبی، قومی، فرهنگی، تاریخی و تمدنی با ایران، از اهمیت زیادی به لحاظ ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک برای ایران برخوردار است. فلذا پژوهش در خصوص جنبه‌های مختلف این منطقه قادر خواهد بود در جهت‌دهی به سیاست‌گذاری دستگاه‌های متولی موثر واقع شود. با این هدف و در پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش، عوامل تأثیرگذار بر تحولات آینده منطقه آسیای مرکزی در محورهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی-اجتماعی، امنیتی و ژئوپلیتیک احصاء و با نظر کارشناسان و خبرگان منطقه به ترتیب اهمیت آن‌ها در تأثیرگذاری موقعیت آینده ایران در منطقه دسته‌بندی که نتایج آن در جدول (۸) آمده است.

جدول (۸): عوامل موثر بر تحولات آینده منطقه آسیای مرکزی

مؤلفه‌های ژئوپلیتیک	مؤلفه‌های اقتصادی
<p>همجواری با سه کشور تاثیرگذار جهانی (ایران، روسیه و چین) برخوردار از منابع غنی انرژی (نفت و گاز)</p> <p>ارزش ژئواکونومیک دریای خزر (ترکمنستان و قزاقستان) محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به آب‌های آزاد</p> <p>موقعیت گذرگاهی - ارتباطی (جاده ابریشم)</p> <p>علاقه مشترک فرهنگی، تاریخی و اقتصادی با برخی همسایگان</p> <p>کنترل تولید منابع و خطوط لوله انرژی</p> <p>عدم برخورداری از منابع مکفی آب‌های سطحی و زیرزمینی</p> <p>توان تأثیرگذاری بر بحران‌های منطقه</p>	<p>وجود ذخایر نفت و گاز در آسیای مرکزی</p> <p>فساد اقتصادی و اداری حاکم بر جمهوری‌های منطقه</p> <p>گسترش روزافزون حضور اقتصادی چین در منطقه</p> <p>وابستگی و اتکای اقتصاد آسیای مرکزی به روسیه</p> <p>فقدان زیرساخت‌های اقتصادی مناسب در منطقه</p> <p>اقتصاد تک محصولی و وابسته به نفت و گاز</p> <p>ظرفیت‌های توسعه کشاورزی در آسیای مرکزی</p> <p>ظرفیت‌های توسعه صنعتی در آسیای مرکزی</p> <p>ظرفیت‌های صنعت توریسم در آسیای مرکزی</p>
مؤلفه‌های سیاسی	مؤلفه‌های امنیتی
<p>روسای جمهور خودکامه</p> <p>مقابله با هرگونه فعالیت جریان‌های اسلام‌گرا</p> <p>سکولار بودن حکومت‌های منطقه آسیای مرکزی</p> <p>فقدان آزادی‌های سیاسی</p> <p>فقدان آزادی جهت فعالیت رسمی احزاب مخالف حاکمیت</p> <p>هراس از ایران به واسطه گسترش انقلاب اسلامی در منطقه</p> <p>وابستگی سیاسی به روسیه</p> <p>قانون اساسی غیر دموکراتیک</p>	<p>گسترش سلفی‌گری در آسیای مرکزی</p> <p>مناقشات مرزی بین جمهوری‌های منطقه</p> <p>همجواری با افغانستان و خطر نفوذ طالبان در آسیای مرکزی</p> <p>گسترش فعالیت جریان‌ها و احزاب سیاسی اسلام‌گرای افراطی</p> <p>گسترش حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی</p> <p>حاکم بودن جو شدید امنیتی در جمهوری‌های منطقه</p> <p>گسترش حضور رژیم اشغال‌گر قدس در منطقه</p> <p>تأثیرگذاری پیمان امنیتی شانگهای در تحولات منطقه</p> <p>افزایش تجارت مواد مخدر در آسیای مرکزی</p>
مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	
<p>وجود تنوع قومی و نژادی در آسیای مرکزی</p> <p>اکثریت بیش از ۷۰ درصدی مسلمانان</p> <p>ناسیونالیسم قومی</p> <p>جریان روس‌گرایی</p> <p>اسلام سنتی (عرفی)</p> <p>اسلام افراطی</p>	<p>جریان غرب‌گرایی</p> <p>جریان ترک‌گرایی (عثمان ترکیسم و پان‌تورانیسم)</p> <p>جریان فرهنگی - تمدنی ایرانی (ایران‌گرایی)</p> <p>اسلام حکومتی</p> <p>ناسیونالیسم ملی</p>

با توجه به اشتراکات گسترده دینی، فرهنگی، تاریخی و تمدنی ایران با مردم کشورهای منطقه و برخورداری ایران از امن‌ترین و با صرفه‌ترین کانال ارتباطی با آب‌های آزاد جهت ترانزیت کالا و انرژی منطقه و همچنین با توجه به برخورداری از نیروی انسانی ماهر، دانش فنی و سیستم حمل و نقل نسبتاً توسعه یافته و نیز زیرساخت‌های کشتیرانی، بنادر، پالایشگاه‌ها و بسیاری از مزیت‌های رقابتی دیگر، ج.ا.ایران قادر است با اتخاذ یک راهبرد کلان و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری اقتصادی اکو و همچنین عضویت در سازمان همکاری شانگهای، به دور از هرگونه ایدئولوژیک‌گرایی وارد یک تعامل هوشمندانه و واقع‌بینانه با جمهوری‌ها و به‌ویژه کنشگران موثر منطقه (روسیه و چین) شده و علیرغم کارشکنی‌های آمریکا و سایر رقبای، امکان بهره‌برداری بیشتر از فرصت‌های منطقه را برای خود فراهم نموده و موقعیت خود را بهبود بخشد. در پایان؛ با عنایت به نتایج پژوهش راهکارهای پیشنهادی زیر به منظور گسترش نقش آفرینی ج.ا.ایران در منطقه آسیای مرکزی ارائه می‌گردد:

* با توجه به سکولار بودن حکومت‌ها، ساختار متمرکز قدرت و خودکامگی حاکمان منطقه، هرگونه فعالیت ایران در منطقه می‌بایست به صورت کاملاً واقع‌بینانه، شفاف و با هماهنگی کامل با مقامات محلی برنامه‌ریزی و اجرا گردد. ج.ا.ایران می‌بایست در راستای تامین منافع حداکثری خود از هرگونه فعالیت ماجراجویانه با رویکرد ایدئولوژیک پرهیز نماید؛

* تدوین یک استراتژی کلان گام به گام با هم‌فکری و تعامل تمام دستگاه‌های سیاسی، فرهنگی و اجرایی ذینفع و با محوریت دستگاه سیاست خارجی، جهت حضور هوشمندانه و هدفمند در منطقه با تکیه بر مزیت‌های رقابتی همچون؛ اشتراکات دینی، تاریخی، زبانی، فرهنگی و تمدنی منطقه با ایران و سایر علائق ژئوپلیتیک مشترک؛

* انتخاب و اعزام سفرا، وابستگان نظامی، نمایندگان و رایزنان فرهنگی که شناخت دقیق و واقع‌بینانه‌ای از منطقه دارند؛

* تشکیل کارگروه آسیب‌شناسی فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی با محوریت وزارت امور خارجه؛

* برگزاری نشست‌های مشترک بین نهادها، دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی فعال در منطقه به منظور ایجاد هماهنگی و همدلی جهت گسترش حضور ایران در منطقه؛

- * تلاش دستگاه سیاست خارجی جهت عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای؛
- * عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایجاد یک منطقه آزاد تجاری میان ایران و اعضای این اتحادیه؛
- * طراحی و استقرار سامانه دیده‌بانی منطقه آسیای مرکزی در وزارت امور خارجه به‌منظور رصد مستمر تحولات منطقه؛
- * درک درست از تنوع قومی و نژادی منطقه توسط دستگاه‌های ذیربط و برقراری ارتباط موثر با اقوام مختلف کشورهای منطقه (به ویژه قوم تاجیک) فارغ از هرگونه رویکرد ایدئولوژیک و با هماهنگی مقامات محلی؛
- * راه‌اندازی خبرگزاری‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی متناسب با ویژگی‌های اقوام مهم منطقه (تاجیک، قزاق، ازبک، ترکمن و قرقیز) به‌منظور شناساندن چهره واقعی ایران و کاهش تفکرات ایران‌هراسانه؛
- * بهره‌مندی از اهل سنت حنفی مذهب شمال و شمال شرقی کشور برای برقراری و توسعه ارتباط با مردم این منطقه؛
- * گسترش فعالیت کمیته امداد در منطقه به‌منظور انجام فعالیت‌های خیرخواهانه و انسان‌دوستانه برای اقشار کم‌درآمد و تصویرسازی مثبت در نزد افکار عمومی منطقه؛
- * برگزاری مراسم‌های بزرگداشت مشاهیر و مفاخر مشترک به‌منظور توسعه تعاملات فرهنگی و دعوت از اندیشمندان منطقه؛
- * برقراری ارتباط با دانشگاه‌های منطقه (دیپلماسی علمی) از طریق مبادله استاد و دانشجو، اعطای بورس تحصیلی، راه‌اندازی کرسی‌های زبان فارسی، برگزاری کنگره‌ها، کنفرانس‌های علمی و فرهنگی؛
- * توسعه و رونق صنعت توریسم فرهنگی بین ایران و کشورهای منطقه از طریق لغو روادید، راه‌اندازی پروازهای مستقیم و منظم و اعطای تسهیلات ویژه برای مسافران؛
- * برگزاری نشست‌های مشترک جهت همکاری با دولت‌های منطقه در خصوص حل و فصل دغدغه‌های مشترک همانند: مقابله با افراط‌گرایی دینی، تروریسم، قاچاق انسان و مواد مخدر؛

- * معرفی شایسته ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران به مقامات تاثیرگذار منطقه، جلب توجه و متقاعدسازی حاکمان منطقه به مزیت‌های رقابتی ایران؛
- * معرفی جایگاه به حق ایران در جاده ابریشم جدید و نقش آفرینی به عنوان یک بازیگر مؤثر از طریق رایزنی دستگاه سیاست خارجی با کشورهای منطقه، کنشگران بین‌المللی تاثیرگذار (روسیه و چین) و سازمان‌های منطقه‌ای همانند؛ پیمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو؛
- * مشارکت گسترده و فعال ایران در پروژه‌های کشف، استحصال، استخراج و ترانزیت میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی جمهوری‌های منطقه به ویژه جمهوری‌های ترکمنستان و قزاقستان؛
- مشارکت در توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی منطقه با بهره‌گیری از توانایی و ظرفیت‌های ایران جهت تمرکز بر اجرای پروژه‌های مشترک در حوزه‌هایی مانند: سدسازی، ساخت نیروگاه‌ها و جاده‌سازی.

فهرست منابع

- آقای فیروزآبادی، سیدحسن. (۱۳۹۵)، تکفیری‌های داعش را بهتر بشناسیم، انتشارات: دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول.
- آثار تمر، محمد. (۱۳۹۳)، عوامل داخلی گسترش سلفی‌گری در آسیای مرکزی، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- اسلامی، محسن؛ ایازی، بهروز. (۱۳۹۶)، «بررسی علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و پیامدهای احتمالی آن»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۲۵۰-۲۲۵.
- احمدی، سیدعباس؛ ساوه‌درودی، مصطفی؛ واتق، محمور؛ ملکی، عباس. (۱۳۹۷)، «تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی مبتنی بر بنیادگرایی اسلامی»، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال هشتم، شماره ۳۳، صص ۱۸۷-۱۶۷.
- باقری‌مقدم، غلامرضا. (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی، انتشارات وزارت امور خارجه.
- بهمن، شعیب. (۱۳۹۳)، ژئوپلیتیک تشیع در آسیای مرکزی، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- بهمن، شعیب. (۱۳۸۹)، «بررسی چالش‌ها و موانع منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره شانزدهم، شماره ۶۹، صص ۱۱۰-۸۹.
- پایگاه داده جمعیت جهان و کشورها، قابل دسترسی آدرس: www.worldometers.info
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حجازی، سیدشهاب‌الدین؛ بهمن، شعیب. (۱۳۹۸)، «شناسایی و تحلیل کنشگران موثر بر تحولات آینده منطقه آسیای مرکزی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره ۲، پیاپی ۲۸، صص ۲۴۶-۲۰۷.
- دبیری، علی‌اکبر. (۱۳۹۰)، «تحلیل هویت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی با استفاده از نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۷، شماره ۷۶، صص ۹۳-۷۱.
- دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه. (۱۳۸۸)، قزاقستان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- رضایی‌اسکندری، داود. (۱۳۹۰)، «ادغام در اقتصاد جهانی و عملکرد نابرابر کشورهای آسیای مرکزی در دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره چهارم، شماره ۸، صص ۴۲-۲۳.
- سبزیان موسی‌آبادی، علی‌رضا؛ رستمی، محمدرضا؛ رضایی، قاسم. (۱۳۹۰)، «تعامل‌های اقتصادی با غرب در منطقه خارج نزدیک و جایگاه روسیه»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره چهارم، شماره ۸، صص ۱۳۰-۱۱۱.
- سنایی، مهدی. (۱۳۹۰)، روابط ایران و آسیای مرکزی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- صالح‌اصفهان‌نی، اصغر. (۱۳۹۲)، بررسی و شناخت ملی و بین‌المللی نظامی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- صفری، فرزانه؛ احمدی، حمید؛ برزگر، کیهان. (۱۳۹۹)، «ایران و محور چین- روسیه در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره بیست و ششم، شماره ۱۰۹، صص ۱۳۸-۱۰۳.
- شکاری، عبدالقیوم. (اسفندماه ۱۳۸۵)، «مبارزه با تروریسم در آسیای مرکزی»، دوماهنامه ایراس، شماره ۱۷.

- علویان، مرتضی؛ کوزه گر کالجی، ولی. (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی؛ بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۲، پیاپی ۴۶.
- مولادی، قاسم؛ پدرام، عبدالرحیم. (۱۳۸۸)، پیشران‌ها و روندهای تاثیرگذار بر سازمان‌های نظامی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- فلاح، رحمت‌الله. (۱۳۹۰). جریان‌های اسلامی در آسیای مرکزی؛ تحولات و چشم‌اندازها، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول.
- فوزی، یحیی؛ پایاب، بهروز. (۱۳۹۱)، «جریان‌ات اسلام‌گرای در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره اول، شماره ۴، صص ۵۹-۳۳.
- کریمی، جهانگیر. (۱۳۹۷)، «سیاست اوراسیایی ایران، انقلاب اسلامی و سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و دوم، شماره ۴، ۲۰۰-۱۵۹.
- کوزه گر کالجی، ولی. (۱۳۹۴)، سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی: روندها و چشم‌اندازها، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- محمودی، مرتضی؛ لطیف‌اف، جوری. (۱۳۹۴)، «نقش دین اسلام در روابط بین ایران و ملت‌های آسیای مرکزی»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره ۲۹، صص ۸۲-۴۳.
- میرفخرایی، سیدحسن؛ فیروزمندی بندپی، مجید. (۱۳۹۶)، «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، مطالعات اوراسیایی مرکزی. دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۴۴۸-۴۳۳.
- واعظی، طیبه. (۱۸ مهر ۱۳۹۱)، «بررسی زمینه‌های نقش‌آفرینی ایران در کشورهای آسیای مرکزی»، پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان، قابل دسترسی به آدرس: www.borhan.ir
- یزدانی، عنایت‌الله؛ مسعودی، نجمه؛ دالوند، حسین. (۱۳۹۱)، «بررسی رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران به آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز دوره هیجدهم، شماره ۷۹، صص ۱۶۶-۱۳۹.
- پوراحمدی مبیله، حسین؛ بهرامی، عارف. (۱۳۹۷)، «همکاری‌های نوین منطقه‌ای آسیای مرکزی و چشم‌انداز آینده آن»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، شماره ۳، صص ۶۲۹-۶۰۹.
- وثوقی، سعید؛ صفری، عسگر. (۱۳۹۶)، «نقش قزاقستان در گسترش روابط ایران و چین در آسیای مرکزی»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیایی مرکزی، دوره دهم، شماره ۲، صص ۴۸۴-۴۶۷.
- عسگریان، عباسقلی. (۱۳۹۴)، «بررسی تحلیلی چالش‌های روند منطقه‌ای‌سازی آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۰، صص ۱۸۱-۱۵۳.
- کوزه گر کالجی، ولی. (۱۳۹۶)، «سیر تحول گفتمانی فدراسیون روسیه در منطقه آسیای مرکزی؛ از گفتمان یوروآتلانتیسیم تا قدرت بزرگ هنجارمند (۲۰۱۶-۱۹۹۱)»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۷، صص ۲۰۶-۱۷۵.
- هاشمی، سکیته؛ محمدی، زهرا. (۱۳۹۸)، «قاچاق مواد مخدر و خشونت‌های تروریستی در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۶، صص ۱۸۲-۱۵۹.

- دیانت، محسن؛ عباسی قادی، مجتبی؛ فرهادی، محمد. (۱۳۹۸)، «بررسی و مقایسه نقش شاخص‌های توسعه اجتماعی در گرایش به سوی اسلام تندرو در آسیای مرکزی»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۳۵-۵۶.
- محمودی، سیدعلی؛ حکمت‌آرا، حامد. (۱۳۹۸)، «دیپلماسی آب و اختلاف‌های آبی در منطقه آسیای مرکزی»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۱۹۹-۲۱۸.
- عزیزی، حمیدرضا؛ حمیدفر، حمیدرضا. (۱۳۹۸)، «انگیزه‌های همکاری امنیتی ایران و روسیه در آسیای مرکزی»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوازدهم، شماره ۲، صص ۳۸۱-۳۹۸.
- مجیدی، محمدرضا؛ دهقانان فرشته، محمدحسین. (۱۳۹۹)، «مؤلفه‌ها و موانع رویکرد ژئوکالچر ایران در قبال ابتکار کمربند و راه چین در آسیای مرکزی»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سیزدهم، شماره ۱، صص ۲۳۳-۲۵۲.
- ولی‌زاده، اکبر؛ صالحی، محمدرضا. (۱۳۹۹)، «مؤلفه‌های تأثیرگذار بر همکاری امنیتی ایران و روسیه در آسیای مرکزی»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سیزدهم، شماره ۱، صص ۲۹۹-۳۲۳.
- Smith, Charlie. (2015), **Islamic State In Central Asia: Threat Or opportunity**, Central Asia- Caucasus Analyst, BI- Weekly Briefing, VOL. 17, NO. 13.
- Seifert, Arne C. (July 2016), **Preventing the “Islamic State” in Central Asia Conditions, risks and peace policy requirements**, Security Policy Working Paper, No. 7.
- Tilouine, Habib; Estes, Richard J. (April 2016), **Central The State of Social Progress of Islamic Societies**, Springer International Publishing AG, Part of Springer Science.
- Muni, S. D; Chadha, Vivek. (2016), **Asian Strategic Review 2016**, Institute for Defence Studies and Analyses, New Delhi, Pentagon Press, First Published.
- The United Nations. (2015). **Human Development Report 2015**, usa: the United Nations Development Programme (UNDP).
- Akaev, Askar; Pantin, Vladimir. (2018), **Central Asia as the economic and geopolitical tension nexus: Some implications for the world futures**, The Journal of New Paradigm Research, Volume 74.
- Al- Nouimat, Abdalla Moh'd Dyab; Jakubayeva S., Zhekenov D., Azimov A. (2019), **Geopolitical interest of Iran in Central Asia**, Al- Farabi Kazakh National University, №3 (87).
- Kulnazarov, Rustem. (2015), **New Geopolitical Role of Central Asia within Foreign Policy Interests of World Powers**, Asian Social Science; Vol. 11, No. 12.
- Wastnidge, Edward. (2017), **Central Asia in the Iranian geopolitical imagination**, Cambridge Journal of Eurasian Studies, 1: #1YRJ04.
- Rumer, Eugene. Sokolsky, Richard. Stronski, Paul. (2016). **U.S. Policy toward Central Asia**, Carnegie Endowment for International Peace.
- Botobekov, Uran. (2019), Unjustified Hope of Iran's Central Asia Policy, www.moderndiplomacy. Eu.**

